

دست از سرشان بر نمی داریم! ۸ مارس امسال همه مطالبات زنان همین امروز

حزب حکمتیست - خط رسمی

هشت مارس روز جهانی زن برای هر کشوری معنی فرمایشی پیدا کرده باشد، برای ایران اینطور نیست. از سی و شش سال پیش تا امروز، اینطور نبوده است. هشت مارس سال ۵۸ یک جنبش رادیکال، سکولار، غیراسلامی و آزادیخواهانه علیه ارتجاع اسلامی که هنوز قادر نشده بود پایه های حاکمیت اش را محکم کند، شیپور یک جنگ رودررو، سراسری و میلیونی علیه یک عقب گرد عظیم تاریخی به بشر را به صدا درآورد.

از آن روز تا امروز که نسل انقلابیونی که در صف مقابل این جنگ و در برابر آن عقب گرد مقاومت میکردند قتل عام شدند، مسئله زن مسئله هر روزه و در هر مقطع به شکلی، روده است. ... صفحه ۳

از معلمان تا پرستاران؛ در دفاع از معیشت

حزب حکمتیست - خط رسمی

تعرض دولت سرمایه داران به سفره کارگران، معلمان، پرستاران و همه زحمتکشان، فلاکت بی سابقه ای را به طبقه کارگر و همه مزد بگیران جامعه ایران تحمیل کرده است. ابعاد گرانی و تورم و گرسنگی و فقر روز بروز سرعت افسارگسیخته تری بخود می گیرد. در مقابل این وضعیت فلاکتبار، کارگران اعتصاب میکنند، پرستاران تجمع می کنند و معلمان تحصن و اعتصاب میکنند! ... صفحه ۳



سیریزا نباید شکست بخورد!

ثریا شهابی

"اگر سیریزا شکست بخورد ناامیدی بزرگی مردم یونان و اروپا را فرا خواهد گرفت. و این موضوع راه برای روی کار آمدن دولت راست افراطی در یونان با اقدامات ریاضت کشانه بیشتر هموار خواهد کرد." به نقل از اوربستیس دولوس، با گرایش کمونیستی، عضو کمیته مرکزی حزب سیریزا یونان در گفتگو با رادیو فردا در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۱۵ ... صفحه ۲

خبر کوتاه است!

مظفر محمدی ص ۴

پیام آیت الله مظفر محمدی

هاشمی رفسنجانی در پیامی به همایش حزب اعتدال و توسعه، در واقع همپالگی های درون جناح های مختلف بورژوازی را به اجتناب از افراط و تفریط برای توسعه همه جانبه دعوت می کند.

این روزها جناح های مختلف بورژوازی ایران برای کشتی اقتصاد و سیاست و فرهنگ به گل نشسته نظام شان بهمیدگر چراغ سبز می دهند و نسخه های پی درپی نجات می پیچند. سیاست اعتدال و توسعه روحانی که مورد تاکید رفسنجانی قرار گرفته، نسخه پوسیده ای است که از دوره "سازندگی" و "اصلاحات" پیچیده شده و مدام به سطل آشغال ریخته شده است. هیچکدام از نسخه های "اقتصاد مقاومتی" بیت رهبری و سپاه پاسداران، توسعه اقتصادی روحانی و نرمش قهرمانانه در سیاست خارجی و گشایش فرهنگی، تا حالا نتوانسته اند ورشکستگی مزمن اقتصادی رژیم را درمان کرده و چشم انداز توسعه اقتصادی را برایشان به ارمغان بیاورد.

نفت ارزان شده است. تورم افسارگسیخته و قابل مهار نیست. گرانی و بیکاری گلوی توده های میلیونی کارگر و زحمتکش را می فشارد. فساد از سر و کول دولتبانان از پایین تا رده های بالای حاکمیت و تا دالانهای بیت رهبری و سپاه بالا می رود. شمشیر زنگ زده سرکوب سیاسی و فشار فرهنگی با تهدید کارگران و مردم و تعرض گاه و بیگاه به آزادی و حرمت زنان کماکان در هوا می چرخد. در مقابل این بلبشو، هر دو جناح افراط و تفریط، به طناب نرمش قهرمانانه و پیروزی مذاکرات با "شیطان بزرگ" و رفع تحریم ها آویزان شده اند. اکنون سیاست و اقتصاد در ایران حول پایان معجزه آمیز مذاکرات هسته ای و رفع تحریم ها می چرخد.

با وجود این، همه می دانند که هرگونه سازش و توافق در این زمینه، هنوز مشکلات تاریخی مزمن جمهوری اسلامی را بغیریت حل نمی کنند. عمر بهار نرمش و اعتدال و توسعه و خوش و بش جناح های مختلف بورژوازی، چه در حاکمیت چه بیرون از دوایر حاکمیت بسیار کوتاه خواهد بود. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

سیریزا نباید ...

پیروزی سیریزا، حزب چپ‌گرای یونان در انتخابات پارلمانی این کشور، با حمایت بخش وسیعی از طبقه کارگر و مردم محروم در یونان، بیانگر پیروزی امید به تغییرات رادیکال در اروپا بود. در این انتخابات، امید به تغییرات رادیکال در راستای منافع اکثریت مردم محروم در یونان، پیروز شد.

در حالیکه در اروپا دولت‌های دست راستی، و در راس آنها دولت بریتانیا، در نمایش بی‌حقوقی و بی‌قدرتی جمعیت تحت حاکمیت شان، در تحقیر هر روزه بیکاران، معلولین و تامین اجتماعی بگيران، پناهندگان و مهاجرین، هر روز از روز قبل زبان مسمت‌کننده تری بکار می‌برند، سخنرانی‌های پرشور رهبر حزب چپ‌گرای یونان در مرهم گذاشتن بر زخم میلیون‌ها بیکار تحقیر شده در یونان، در حمایت از حرمت انسانی محرومین جامعه که کمرشان زیر بار فشار بحران اقتصادی خم شده است، نمی‌توانست مورد حمایت قلبی و وسیع میلیون‌ها نفر در سراسر جهان قرار نگیرد.

بدون اینکه سیریزا داعیه‌ای در مورد تغییرات بنیادین در اقتصاد و سیاست در این کشور داشته باشد، نفس عروج امید به تغییرات رادیکال در یونان از طریق به قدرت رسیدن این حزب، نفس بالا بردن پرچم احترام به انسان و به نمایندگی از محرومین جامعه، تعرض که نه، صرف "شماتت" سرمایه داری، بلافاصله در محافل چپ و کمونیست اروپا نوری از امید به سوسیالیسم را در دل‌ها زنده کرد.

سیریزا نباید شکست بخورد. برای تبدیل این "ناباید" از یک آرزوی قلبی به امری ممکن، باید گرایش کمونیستی در این حزب قدم پیش بگذارد. علاوه بر تلاش برای به حداقل رساندن صدمات برنامه‌های ریاضت اقتصادی و مقابله با بسته‌های به اصطلاح نجات بخش اتحادیه اروپا و کمک به اقشار کم درآمد، موانع اتحاد و تشکل طبقه کارگر

پیام آیت الله ...

سوال اصلی این است که جمهوری اسلامی و جناح هایش در درون و بیرون دولت، تا کی می‌توانند از طبقه کارگر و مردم زحمتکش و به جان آمده از تورم و گرانی و بیکاری و فقر و فساد، وقت بخرند. تا کی می‌توانند ده‌ها میلیون اعضای خانواده زحمتکش‌شان جامعه را با دست‌مزد ناچیز و بی‌حقوقی مطلق و زندگی چند برابر زیر خط فقر، در انتظار نگه دارند. نمایش اصلاح طلبان و دولت اعتدال در همایش حزب شان، تنها گوشه‌ای از تدارک جناحی از بورژوازی برای متوهم کردن و فریب دادن و با وعده‌های توسعه اقتصادی در مقابل توده‌های میلیونی کارگر و زحمتکش است. و جناح رقیب هم راهی ندارد جز اینکه بار دیگر شمشیر را از رو بسته و طبقه کارگر را به مبارزه

در یک حزب کمونیستی که برای کسب قدرت سیاسی مبارزه میکند را فراهم کند.

فرا تر رفتن از مقاومت در مقابل برنامه‌های اقتصادی اتحادیه اروپا و تلاش برای تامین کار و حداقل معیشت قابل قبول و با استانداردهای زندگی انسان معاصر تنها و تنها میتواند کار یک حزب سیاسی کمونیستی با یک برنامه اقتصادی بنیادین باشد. برنامه‌ای که بتواند در مقابل تعارض و تناقض رفاه عمومی با سوخت و ساز کارکرد سرمایه، اثبات‌الگوی اقتصادی متفاوتی را پیاده کند.

رفاه و معیشت مناسب با استاندارد قابل قبول در جهان مدرن و معاصر، با تولید برای سود خوانایی ندارد. این را چین، این بهشت وفور سرمایه و فراوانی کار و شغل، نشان میدهد. این تناقض را نمی‌توان تنها با مقاومت در مقابل برنامه‌های ریاضت اقتصادی و کمک به رشد تولیدات کالکتیو کوچک حل کرد. هنگامی که طبقه کارگر و محرومین جامعه کمترین مالکیتی بر مهمترین ابزار تولید جامعه ندارند، در بعد اقتصادی خلع سلاح اند. و برای دسترسی به مهمترین ابزار تولید در جامعه، کسب قدرت سیاسی طبقه کارگر پیش شرط است.

فرا تر رفتن از برنامه‌های اقتصادی امروز سیریزا، بلافاصله با موانع سیاسی و اقتصادی و میتواند حتی با موانع نظامی شرکای در قدرت و همه بورژوازی یونان و اروپا مواجه شود. از این رو تعجیل برای سد بستن در مقابل موج ناکامی سیریزا، سد بستن در مقابل موج برگشت و تعرض سیاسی و اقتصادی کل بورژوازی اروپا و یونان، مهمترین امر گرایش کمونیستی این حزب است.

سیریزا اعتماد طبقه کارگر و محرومین یونان و اروپا را همراه خود دارد. این سرمایه و مهمترین سرمایه آن است. گرایش کمونیستی آن میتواند این اعتماد را نه در جهت مدیریت منصفانه تر

رودر رو و اجتناب ناپذیر بطلبد.

در نهایت، سرنوشت هر دو جناح بورژوازی با هر تغییر سیاست و یا مانور و وقت کشی و در انتظار نگه داشتن مردم را، جنگ اصلی طبقه کارگری که چشم به اتحاد و همبستگی طبقاتی دوخته است، تعیین می‌کند. وردی که امروز جناب رفسنجانی به خود و همپالگی هایش فوت می‌کند، برای احتراز از رودر رویی با انقلاب اجتماعی توده‌های میلیونی طبقه کارگر و مردم زحمتکش است. پیام رفسنجانی ریس یک کارتل اقتصادی و مالی بزرگ در ایران، در واقع رو به مردم است که مبادا تجربه انقلاب و بهار عربی را که گویا باخاطر افراط و تفریط به جایی نرسید را الگوی خود قرار دهند. چرا که به قول ایشان، ذات و انتخاب مسلمانان طریق اعتدال و میانه روی است. و این صد البته

اقتصاد سرمایه و نشانند اقتصاد دولتی به جای خصوصی و یا با فاصله گرفتن از اتحادیه اروپا، که در راستای رفع موانع اتحاد و تشکل طبقه کارگر برای ایجاد حزب کمونیستی بکار بگیرد. حزبی که آماده باشد، بخواید و اشتباهی آن را داشته باشد که قدرت سیاسی را تصرف کند و به اتکا آن، با قدرت برنامه‌های اقتصادی دگرگون کننده خود را به نفع محرومین جامعه، اجرا کند.

اورستیس دولوس، حق دارد. ناکامی سیریزا شرایط به قدرت رسیدن یک جریان راست افراطی در یونان را هموار میکند. طبقه کارگر یونان و گرایش کمونیستی حزب سیریزا باید بتواند خود را برای تقابل‌های بعدی آماده کند، برای جدال‌ها و رویارویی‌های طبقاتی که در پیش است تجهیز شود و برای کسب قدرت سیاسی به میدان بیاید. برای آن باید از امروز تدارک دید. فردا میتواند دیر باشد.

واقعیت اینست که دولت مهم ترین ابزار طبقه حاکمه برای تحت انقیاد نگاهداشتن توده‌های تحت استثمار است. تاریخا ظهور دولت حاصل بوجود آمدن استثمار، پیدایش طبقات و تقسیم جامعه به طبقات استثمارگر و تحت استثمار بوده است. علیرغم همه پیچیدگی‌ها در ساختمان دولت‌های امروز، دولت همچنان دستگاهی برای اعمال زور است و ارتش‌ها و دادگاه‌ها و زندان‌ها شالوده اساسی آن را تشکیل میدهند. دولت قوه قهریه سازمان یافته طبقه حاکمه است. دولت ابزار اعمال حاکمیت طبقاتی است. هر دولتی، مستقل از هر فرم و ظاهری که بخود پذیرفته باشد، چه سلطنت و چه جمهوری، چه پارلمانی و چه استبدادی، ابزار اعمال دیکتاتوری طبقه یا طبقات حاکم است.

(یک دنیای بهتر برنامه حزب حکمتیست -
خط رسمی)

توصیه همه سرمایه داران و کارتل‌های اقتصادی و مالی جمهوری اسلامی از بیت رهبری تا سپاه و دیگر بخش‌های سرمایه در ایران به کارگران و مردم زحمتکش است. اما این‌ها فراموش هم نمی‌کنند که شکم گرسنه ایمان نمی‌شناسد و ورد اعتدال و میانه روی در مقابل جنگ طبقاتی ستمکشان و استثمار شدگان علیه ستمگران و غاصبان نان سفره کارگران و زحمتکش‌شان و زخم دیرینه حاصل از تبعیض و بی‌حرمتی بر قلب زنان و جوانان، تاب مقاومت نخواهد داشت. نسخه و پیام کارگران و کمونیست‌ها برای نجات جامعه ایران، تامین یک اتحاد طبقاتی، تشکیل حزب انقلابی کارگران در مقابل حزب اعتدال، اصلاح طلبان و حزب الله اصولگرایان، برای سازماندهی یک قیام اجتماعی و انقلاب کارگری است.

مرکز جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

۸ مارس امسال ...

جنبش حق زن در ایران غیراسلامی و ضداسلامی است. به شهادت عقب نشینی عظیمی که جمهوری اسلامی ایران در مقابل مقاومت دونسل تربیت شده تحت حاکمیت تمام و کمال اسلام محمدی کرده است، جنبش احقاق حق زن در ایران ضداسلامی، آزادیخواهانه و چپ است. این عقب نشینی ها برخلاف پروپاگاندهای رنگ باخته شاخه های مختلف اپوزیسیون طرفدار یک جناح در حاکمیت، نه به برکت سیاست های اصلاح طلبان رژیم، که حاصل پیشروی جنبش مقاومت زنان طی سی و شش سال گذشته است.

تلاش نمایندگان خودگمارده اپوزیسیون قانونی در ایران، طیفی از روشنفکران مجاز، فمینیستهای اسلامی و غیر اسلامی که تلاش میکنند رضایت دادن خود به روحانی را رضایت دختران و پسرانی که پس از پدیده روحانی متولد شده و میشوند قلمداد کنند، گذرا است. تلاش مشاورین غیرحکومتی روحانی در اپوزیسیون، که مبشر آشتی اسلام و حکومت اش با حق زن اند، بی حاصل است. تلاش کسانی که تسلیم شدن خود به همین درجه از عقب نشینی حاکمیت در مقابل مقاومت زنان را، کافی و آن را شایسته زندگی انسان در ایران میدانند، تنها پارازیت هایی است که در خلا صدای رسای جنبشی که این عقب نشینی ها را تحمیل کرده است، شنیده میشود. این موج پارازیت های رنگارنگ ضد آزادی زن، گذرا است. فراخوان تسلیم به جوانانی که اسیر قوانین آپارتاید جنسی در ایران اند و تلاش برای زدن برچسب اسلام خوش خیم به عقب نشینی که به جمهوری اسلامی ایران تحمیل شده است، بیش از حد ریاکارانه و رنگ باخته است.

جنبش احقاق حقوق انسانی زن در ایران، دست از سر جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به همه مطالبات برحق و بی چون و چرای انسانی خود برنداشته است و برنخواهد داشت. این روزهای "آرام" و آسمان ظاهرا بی ابر، آبستن طوفانهای عظیمی است.

طوفان حق طلبی میلیونها میلیون زنی که علیرغم سی و شش سال تلاش حاکمیت برای اسلامی کردن جامعه و تبدیل کردن او به شهروند کم توقع، خواهر زینب، توسری خور، سربزیر، کارگر ارزان، مادر و همسر و خدمه جنسی رایگان، امروز بعنوان نیروی کار میلیونی، تحصیل کرده، آماده به کار، طالب کار و پرتوقع، گلوی جمهوری اسلامی ایران را گرفته است. در مقابل این نیروی عظیم انسانی است که ولی فقیه در هیئت مامور تنظیم خانواده از پیغمبر و قرآن اش برای بازگرداندن زنان به خانه و برای افزایش جمعیت، مدد می طلبد.

غول از شیشه بیرون آمده است. بازگرداندن او به درون شیشه دیگر ممکن نیست. استفاده از اسلام امروز برای کنترل پیشروی جنبش حق طلبی زنان در ایران، بیش از این ممکن نیست. از این رو است که بازار طیف اپوزیسیونی که تلاش میکند جنبش

از معلمان تا ...

این اعتراضات ندای بخش اعظم کارگران و زحمتکشان جامعه ایران علیه این موج تعرض و تحمیل زندگی فلاکت بار و بی حقوقی و ستم است. باید به استقبال این صدا و این تحرک انسانی برای خلاصی از فقر و برای دستیابی به رفاه رفت. باید دست تک تک کارگران، معلمان و پرستارانی که در این مبارزه حق طلبانه و شرافتمندانه شرکت میکنند را فشرده. باید به روی سران حکومتی که با فریب "گشایش اقتصادی" و وعده بهبود زندگی، بیش از یکسال است فقر و فلاکت و بیکاری میلیونی را به جامعه تحمیل کرده اند، تف انداخت.

راه دیگری جز حرکت متحد، انسانی، اجتماعی و یکپارچه توده وسیع محرومان علیه این تعرض نیست. تسلیم و رضا و یا انتظار شفقت از دولت حافظ سرمایه و سرمایه داران و دولتمردان شکم سیری که از هر گونه وجدان و انسانیت تهی اند، چشم امید دوختن به "لطاف" دولت و دلسوزی "خانه ملت"، راه حل نیست. اینرا کارگران خودروسازی ها، بافق و ...، معلمان و امروز پرستاران نشان دادند. باید جلوی این تعرض سازمان یافته دولتی را با صفی متحد و یکپارچه در کارخانه و مدرسه و بیمارستان و محلات گرفت. اعتصابات کارگری، اعتصاب سراسری معلمان و اعتصاب پرستاران جلوه ای از یک اعتراض توده ای و بخش مهمی از مبارزه عمومی و سراسری در جامعه است. در این جنگ و جدال اجتماعی و سرنوشت ساز علیه بورژوازی و دولتش که بحران اقتصادیشان را بر سرفه خانواده های کارگران و معلمان و پرستاران و دیگر زحمتکشان سرشکن میکنند، طبقه کارگر نقش پیشتاز و موثر و تعیین کننده ای دارد. اگر مبارزه و اعتراضات طبقه کارگر با مبارزات و اعتراضات عمومی و سراسری تر معلمان، پرستاران و همه زحمتکشان جامعه علیه فقر و گرسنگی و علیه تورم و گرانی و بی حقوقی محض همراه شود، کم ترین نتیجه اش سر فرود آوردن دولت و سرمایه داران در مقابل خواسته های همه زحمتکشان جامعه است.

تدارک این همبستگی و بهم پیوستگی مبارزات و اعتراضات توده کارگر و معلم و پرستار و دیگر اقشار زحمتکش، بر عهده فعالین و رهبران و پیشروانی افتاده است که با ستم و استثمار و بی حقوقی سر سازگاری ندارند و برای رهایی از این فلاکت به لولای اتحاد توده های کارگر و زحمتکش تبدیل میشوند.

حزب حکمتیست از تحمیل و اعتصاب معلمان و تجمعات اعتراضی معلمان و پرستاران حمایت می کند و کارگران و زحمتکشان و همه مردم آزادیخواه را به همبستگی و حمایت از این مبارزات دعوت می نماید.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی
اول اسفند ۹۳ (۲۲ فوریه ۲۰۱۵)

زنان را به این درجه پیشروی قانع کند و اسلام را با حق زن سازش دهد، گرم است. کاری را که ولی فقیه و روحانی و رفسنجانی و احمدی نژاد و حسین شریعتمداری قادر به انجام آن نیستند، توسط طیفی از روشنفکران مجاز و قانونی و به اصطلاح خود سکولار، انجام میشود. این طیف بار دیگر خود را سپر بلای جمهوری اسلامی ایران کرده است. طیفی که گرمی بازار کسب و کار سیاسی اش به حیات جمهوری اسلامی ایران گره خورده است و با رفتن ولی نعمت خود، آنها هم مرخص خواهند شد.

هشت مارس امسال در ایران باید صدای خود جنبش زنان، همان جنبشی که عقب نشینی های تا امروز را تحمیل کرده است، به میدان آید و اعلام کند که تا دستیابی به همه حقوق اش، دست از سرشان بر نمی دارد. از بیمه بیکاری برای همه زنان و دختران بالای ۱۶ سال و آماده به کار، تا کوتاه کردن دست اسلام از زندگی خصوصی و اجتماعی و سیاسی زنان و همه مردم، از لغو حجاب اجباری و برچیده شدن همه قوانین آپارتاید جنسی تا ممنوعیت دخالت در زندگی خصوصی مردم و جدایی کامل دین از دولت و جدایی کامل دین از آموزش و پرورش، دامنه وسیعی از مطالباتی است که باید همه آن را همین امروز خواست. این خواست ها حداقلی است که دسترسی فوری به آنها، حق بی چون و چرای هر شهروندی است. نباید هیچ نسل دیگری قربانی تبعیض جنسی و محرومیتی باشد که منشا آن قوانین عقب مانده و عشیره ای و برده دارانه اسلامی و تبعیض آمیز حاکم بر جامعه ایران است.

هشت مارس در ایران نه یک روز فرمایشی که روزی از نمایش قدرت و مطالبات جنبش احقاق حقوق زنان است. امسال که در سراسر ایران صدای اعتراض طبقه کارگر، سایر بخش های محروم جامعه از جمله معلمان، از هر گوشه و کناری شنیده میشود، هشت مارس باید توسط فعالین رادیکال جنبش زنان سازمان یابد و علنی برگزار شود. در شرایطی که جامعه عقب نشینی های جدی به حاکمیت در عرصه تعرض فرهنگی تحمیل کرده است، در شرایط شکست ایدئولوژیک اسلام در حاکمیت ایران، جنبش احقاق حق زن باید به میدان بیاید و در روز هشت مارس به هر شکل و طریقی که میتواند ابزار وجود کند.

نباید خلاء حضور علنی این جنبش با نجوای پارازیت جنبش اسلام پاستوریزه روحانی که اخبار اعدام هایش از تمام رفقای قبلی خود اگر بیشتر نباشد کمتر نیست، پر شود.

زنده باد هشت مارس
زنده باد برابری زن و مرد

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)
۳ اسفند ۱۳۹۳ - ۲۲ فوریه ۲۰۱۵

خبر کوتاه است!

مظفر محمدی

در تاریخ ۲۸ بهمن ۹۳ با سقوط آسانسور حمل بار در یک مجتمع مسکونی نیمه ساز در اصفهان، ۸ کارگر جان باختند و یک کارگر بشدت زخمی شد. دیروز عسلویه و ایران خودرو، امروز و هر روزه خبر دردناک قربانیان قتلگاه نظام کثیف سرمایه داران در جمهوری اسلامی ایران!

بنا به گزارش سازمان پزشکی قانونی در ۱۰ سال گذشته (۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳)، بالغ بر ۱۳ هزار کارگر در حوادث کار جان خود را از دست داده اند. این تنها بخشی از مرگ و میر کارگران تحت پوشش بیمه های اجتماعی را شامل می شود. گزارشهای گوناگون دیگر حاکی از مرگ بیش از ۲۰۰۰ کارگر در سال است! و این یعنی بی سرپرست شدن سالانه بیش از ۱۰ هزار و در مدت ده سال ۲۰۰ هزار عضو خانواده کارگری!

و این یعنی تخریب و تباه شدن زندگی چند نسل از خانواده های کارگری بی پناه و بی سرپرست و رها شدن و ذوب شدن در حاشیه جامعه و در خیابان ها ...! هر روز خبر کشتار کارگران در معادن و مراکز کار بر اثر ناامنی محیط کار در حاشیه مدیای بورژوازی منتشر می شود. برای بورژوازی مرگ و زندگی کارگر ارزشی ندارد. کارگر مثل ماشین کارخانه، ابزار تولید برای کسب سود است.

خبر مهم! یک بورژوا مرد! اگر وزیر و ژنرال و ریس جمهور بورژوازی در هر کشوری و بهر دلیلی و حتی در رختخواب بمیرد، سرتیتر درشت همه روزنامه ها می شود. پرچم ها برایشان نیمه افراشته می گردد، عزای عمومی اعلام می شود و گله بورژواهای حاکم جهان یادداشت های تسلیت و همدردی می فرستند و به مراسم تشریفات خاکسپاری روانه می شوند. اما کشته شدن دسته دسته کارگران در قتلگاه هایی به نام معادن زیر زمینی و یا مراکزی چون ایران خودرو، عسلویه و شرکت های پیمانکاری و ساختمان و ... یک امر ساده و پیش پا افتاده است. نه پرچمی پایین می آید و نه عزایی اعلام می شود. و نه یادداشت تسلیتی ارسال می گردد. این دنیای وارونه را باید سرجای واقعی اش نشاناد. اگر دست بورژوازی را با همه وزرا، و کلا و روسای جمهور و ژنرال ها و سردارهایشان از حاکمیت و ثروت جامعه کوتاه کنی، آب از آب تکان نمی خورد، اما بدون کارگران این تولید کنندگان نعمات بشر، جامعه می میرد. اگر همه مجلس نشینان بورژوازی ایران را مرخص کنی، کک جامعه نمی گزد، اما اگر کارگران شرکت واحد یا خدمات شهری یک روز و حتی چند ساعت کار نکنند، شهر می ایستد و خاموش می شود. اگر همه سرداران و فرماندهان و ژنرال های ارتش و پاسدار و بسیج را خلع درجه و مدال کنی و اگر همه امام جمعه ها را از سمپاشی و مسموم کردن جامعه منع کنی، هوای جامعه برای نفس کشیدن سالم تر می شود. اگر جامعه دست ما باشد، اگر حاکمیت دست طبقه کارگر

باشد این خیل مفت خور و انگل جامعه را لباس مدنیت پوشانده و به کارخانه و کارگاه ها روانه می کنیم تا به شرافت کار و تولید برای نیاز بشر نه برای سود سرمایه داران مفتخر، شوند. و آن وقت است که مرگ یک کارگر، تنها یک کارگر در معدن یا خودرو سازی و ساختمان سازی در هر کجای دنیا و بر اثر سانحه ای غیر قابل پیش بینی، یک فاجعه انسانی خواهد بود که سیل یادداشت های تسلیت کارگران را از سراسر جهان در بر خواهد داشت. خانواده کارگران جانباخته اگر چه به تنهایی در سوگ همکاران و عزیزانشان نشستند و صدای اعتراض شان را به این جرم جدید بورژوازی بلند کردند، اما شایسته تسلیت و همدردی و بیشترین حرمت انسانی از جانب همه هم طبقه ای های ولو ساکت و بهت زده خود و شایسته گرم ترین محبت های انسانی اند. پیام همدردی کارگران متشکل در تشکلهای کارگری عکس العملی طبقاتی و ارزشمند و گوشه ای از این تصویر طبقاتی است، اما کافی نیست.

بهترین یاد و احترام کارگران جان باخته معادن، ساختمان، ایران خودرو، عسلویه ... و تنها راه پایان دادن به فاجعه های انسانی کشتار کارگران در قتلگاه های ناامن کار و استثمار وحشیانه با دستمزد ناچیز و تبعیض و تحقیر بورژوازی، پایین کشیدن و فراری دادن حاکمان دولت سرمایه داران چون خامنه ای ها، احمدی نژاد و رفسنجانی، روحانی و جعفری و محبوب ها و دیگر خدم و حشم سیاسی و نظامی بورژوازی ایران و برافراشتن پرچم سوسیالیسم، آزادی و برابری است.

رادئو نینا Radio "Neena"

رادئو نینا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹ شب به وقت تهران از طریق ماهواره هاتبرد پخش میشود. رادئو نینا را گوش دهید و آترا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

www.radioneena.com

Satellite: Eutelsat HOTBIRD 13A
13*
Frequency: 12597
POL: V
FEC: 3/4
Symbole rate: 27599
Audio PID: 2130



www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com

استثمار و تبعیض و بی حقوقی در ابعادی اینچنین عظیم، و در اشکالی اینچنین عیان، بدون تسلیم و رضایت توده وسیع خود استثمار شوندگان و بدون موجه قلمداد شدن این مناسبات در اذهان خود قربانیانش سر یا باقی نمیماند. توجیه کردن این وضعیت، ابدی و ازلی و طبیعی قلمداد کردن آن و ترساندن و برحذر داشتن فرودستان جامعه از شورش علیه این مناسبات، وظیفه روبنای فکری و فرهنگی و اخلاقی در این جامعه است. زرادخانه فرهنگی و اخلاقی بورژوازی علیه آزادی و رهایی انسان عظیم و خیره کننده است. بخشی از این ابزارها از اعصار کهن به ارث رسیده اند، اما مطابق نیاز جامعه بورژوازی نوسازی و بازسازی شده اند.

ادیان و مذاهب رنگارنگ، عواطف و تعصبات اخلاقی جاهلانه، قوم پرستی، نژاد پرستی، مردسالاری، همه و همه حربیه های فکری و فرهنگی طبقات حاکمه در طول تاریخ برای خفه کردن و سربیزیر نگاهداشتن توده کارکن جامعه بوده اند. همه اینها در اشکال نوین و ظرفیتهای تازه، در عصر ما در خدمت مصون داشتن مالکیت و حاکمیت بورژوازی از تهدید آگاهی و تعقل و نقد طبقه کارگر و مردم تحت استثمار قرار دارند. ...

فرهنگ، ایدئولوژی و اخلاق

(یک دنیای بهتر برنامه حزب حکمتیست - خط رسمی)

زنده باد انقلاب کارگری!